

Moving Forward in Confusing Times

From a talk by Tim Jackins at a meeting for the RC International Liberation
Reference Persons and International Commonality Reference Persons, April ۲۰۲۳

Farsi Translation:

Vida Mozafarieh

حرکت رو به جلو در زمان های مغشوش و آشفته

از سخنرانی: تیم جکینز (شخص مرجع جهانی) در جلسه ای برای افراد مرجع رهایی بخش بین المللی و افراد
مرجع تشابه مشترک بین المللی - آوریل ۲۰۲۳

ترجمه فارسی
ویدا مظفریه

بسیاری از ما، در آرسی، در حالیکه آزدگی های خود را تخلیه میکنیم، سودمندی استفاده از توانایی ها و دیدگاه
های بازیافت شده خود را برای اینکه بخشی از تغییر جوامع خود باشیم را دیده ایم. ما میدانیم که فقط ایجاد
امکانات، کافی نیست، که هر انسان از اثرات آزدگی رهایی یابد؛ باید در جوامع خود تغییراتی ایجاد کنیم تا از
ادامه آزدگی ها و سلطه ها جلوگیری کنیم.

به چالش کشیدن محدودیت های خود ما:

بسیاری از ما خود را متعهد به انجام اقداماتی میدانیم— از طریق صحبت با دیگران، اعتراض و غیره، که امیدواریم
منجر به تغییراتی در عملکرد جوامع ما بشود. برای این کار، ما باید بر خلاف و علیه ضبط های آزدگی های خود
برویم. این میتواند بسیاری از احساسات گیج کننده و برانگیخته شده ما، کوچک بودن و ناتوانی ما، بی اهمیت،
منزوی و دلسردی و غیره ما را در ما زنده و برانگیخته کند. این احساسات قدیمی و ثبت شده، دیدن مسیرهای
خوب روبه جلو را دشوار میکند. آنها بخشی از چیزی هستند که به آن جوامع اجازه میدهند به حیات خود ادامه
دهند، حتی زمانی که جوامع به وضوح، امکان زندگی خوب را برای شهروندان خود فراهم نمیکند.

با وجود اتفاقاتی که در گذشته برای ما اتفاق افتاده و احساسات تخلیه نشده که در ما باقی مانده است، ما میتوانیم، به بهترین کاری را که می‌توان انجام داد، فکر کنیم. این احساسات با تخلیه تغییر میکنند، همانطور که قبلاً بارها به خود ثابت کرده‌اید. اما برای اینکه واقعا شروع به پایان دادن تأثیر آن آزدگی بر خودمان و جوامع ما کنیم، باید عملکردمان در زمان حال تحت تأثیر احساسات آزدگی‌های تخلیه نشده از گذشته نباشد. میتوانیم تصمیم بگیریم که دوباره از نو فکر کنیم و عمل کنیم.

بسیاری از ما قبلاً تصمیم گرفته‌ایم علیه ضبط‌های آزدگی خود عمل کنیم، و فعالانه در تلاش برای تغییر جوامع شرکت کرده‌ایم. ما این کار را بطور کامل انجام نمیدهیم، اما میتوانیم در این مسیرها بهتر و بهتر عمل کنیم، زیرا با تخلیه و کسب تجربیات جدید، اطلاعات و تماس با طیف وسیع تری از هوش‌ها ادامه میدهیم.

در حالیکه علیرغم آزدگی‌هایمان در حرکت به جلو بهتر میشویم، آزدگی‌هایمان همچنان ممکن است ما را گیج کنند. بسیاری از ما احساس فوریت ناامیدانه داریم، بسیاری از ما مصمم هستیم اما این عزم جنبه‌های الگویی دارد: ما خود را بجلو میبریم تا از احساسات دلسرد و ناامیدانه کامل خودداری کنیم. سایر بخش‌های آزدگی ما، اشتراک‌گذاری آشکار افکار یا ایجاد روابطی که برای ایجاد نیرویی گسترده برای تغییر مورد نیاز است، دشوار می‌سازد.

فروپاشی اجتماعی:

جوامع ما برای ادامه فعالیت با مشکلات بزرگی روبرو هستند. پنهان کردن این امر در حال تبدیل شدن به غیر ممکن است. اقدامات سلطه‌گرانه‌ای که برای حفظ جوامع ما به کار می‌رود نیز آشکارتر نشان داده می‌شود زندگی برای اکثر مردم جهان بسیار دشوارتر می‌شود. بسیاری از مردم در حال مرگ هستند و درگیری‌های مسلحانه زیادی وجود دارد. این به این دلیل اتفاق می‌افتد که این جوامع بر اساس استثمار و زورگویی بر مردم و آزدگی‌های ناشی از آن که به آنها تحمیل شده است، بنا شده‌اند.

بنظر می‌رسد که هیچ نیروی عقلانی وجود ندارد که بتواند جلوی این فروپاشی جوامع ما را بگیرد. میتوانیم برای به حداقل رساندن رنج و آسیب تلاش کنیم. اما در موقعیتی نیستیم که از آن جلوگیری کنیم. ما باید غصه‌های خود را تخلیه کنیم تا بتوانیم به وضوح در مورد چگونگی تغییر وضعیت در زمانی که فرصت‌هایی برای انجام این کار ایجاد می‌شود، آماده‌گی داشته باشیم.

تغییرات بزرگی در زمان فروپاشی امکان پذیر می‌شود. ما میتوانیم آماده باشیم که این تغییرات در جهت هایی باشد که انسانی ترین و کمترین غیر منطقی بودن را داشته باشد. درحالیکه بعید به نظر می‌رسد ما به تنهایی این موقعیت هارا ایجاد کنیم، میتوانیم برای مشارکت مؤثر در زمان بروز آنها تلاش کنیم. برخی از راه هایی که میتوانیم این کار را انجام دهیم چیست؟

حفظ و پایدار نگه داشتن خود و دیگران:

این یک تعهد طولانی مدت است و ما باید بتوانیم خود و دیگران را برای مدت طولانی حفظ کنیم. تلاش های ناامیدانه و کوتاه مدتی که مارا نا امید و فرسوده میکند، بعید به نظر می‌رسد مؤثر واقع شود. همچنین بعید است که دیگران را جذب کنند یا واقعیت را به آنها منتقل کنند. باید زندگی خوب، لذت بخش، اما نه لزوماً آسانی، داشته باشیم و بتوانیم به خانواده و سایر روابط خود فکر کنیم. ما میتوانیم به این فکر کنیم که چگونه خودمان را حفظ و تقویت کنیم.

میتوانیم جدایی از دیگران را که از سالهای اولیه زندگی مان به وجود آمده ، به چالش بکشیم. به دلیل این آزردهی های اولیه، بسیاری از ما الگوهایی را ایجاد کرده ایم که به سادگی بیشتر افرادی که در اطراف خود داریم را نادیده میگیریم. افرادی که میتوانند بخشی از پیشبرد جهان به روش های عقلانی و انسانی باشند.

اگر بخواهیم نقش خوبی در پیشبرد کارها ایفا کنیم،دباید تلاش کنیم تا انسانیت کاملی را که فکر میکنیم هر انسانی دارد، بطور مداوم نشان دهیم. میتوانیم به بسیاری از افراد دیگر فکر کنیم و تصمیم بگیریم که چه روابط کوچک یا بزرگی را با آنها امتحان کنیم، نه اینکه به دلیل الگوهای قدیمی انزوا و ناامیدی و دلسردی آنها را نادیده بگیریم یا از آنها آگاه نباشیم.

فکر میکنم ما از بسیاری از موقعیت های جدی و خطرناکی که این فروپاشی اجتماعی ایجاد میکند، از جمله وضعیت اضطراری اقلیمی، جان سالمی به در خواهیم برد. ما منابع بسیار خوبی را برای رهایی خود از محدودیت های ناشی از آزردهی گذشته و تخلیه نشده ایجاد کرده ایم . هرچه عده بیشتری از ما تصمیم بگیریم و در هنگام مواجهه با احساسات ثبت شده و تخلیه آن ، تأثیر آن احساسات ثبت شده را محدود کنیم، سریعتر و مؤثرتر، بخشی از ایجاد جوامعی خواهیم بود که برای همه منصفانه باشد.